

تعدد و ترکیب در تشبیه

یحیی طالبیان *

چکیده:

در این مقاله ضمن پذیرش و تأکید بر این نظر که هدف آفریننده تشبیه، تمکن ادراک کلی آن در ذهن است، طبقه‌بندی عناصر و ارکان تشبیه نیز امری لازم شمرده شده و به رابطه تشبیه متعدد و مرکب و تمثیل پرداخته است و با این نظر مخالفت شده که جایگاه بحث درباره تشبیه متعدد دانش بدیع است و سرانجام گفته شده که ریشه همه این مفاهیم و نامهای مختلف در تشابه است لیکن از نظر علمای نقد برای طبقه‌بندی، ایجاد جداول، قالبها و تقسیم‌بندیها غیر قابل اجتناب بوده است و این امر ذهن شاعر و هنرمند را محدود نمی‌کند، بلکه طبقه‌بندی علمای نقد و بلاغت را ممکن می‌سازد زیرا که از اهداف اولیه هر دانشی طبقه‌بندی دقیق و مناسب عناصر و ارکان و اجزاست.

* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

واژه‌های کلیدی

• تشبیه - • ملفوف - • مفروق - • مشبه - • مشبه به - • تسویه - • مقلوب - • جمع

قرار گرفتن مفاهیم متعدد در کنار هم یا نشان دادن طرفین آنها در دو سوی جمله‌های کلام نظم خاصی به تشبیه‌ها می‌دهد که در نامگذاریهای سنتی اگر طرفین تشبیه با نظمی خاص صف‌آرایی کنند، انواعی از تشبیه‌های متعدد را به بار می‌آورند و اگر مفاهیمی با یکدیگر آمیخته شوند و از مجموع مشارکتها هیأتی کلی و مرتبط باهم به وجود بیاید و دو هیأت در برابر هم نهاده شوند به نحوی که انطباق هر یک از اجزای دو سوی تشبیه ممکن نباشد تشبیه مرکب و مقید و تمثیل را به ارمغان می‌آورند. آرایش مفاهیم متعدد نیز گونه‌ها و نامهایی دارد. اگر مشبه و مشبه‌به در کنار هم باشند یا مشبه و مشبه‌به جداگانه صف کشیده باشند، تشبیه به ملفوف و مفروق تقسیم می‌شود. گاه یک مفهوم به چند مفهوم دیگر تشبیه می‌شود و یا چند چیز به یک چیز تشبیه می‌شوند که در این صورت تشبیه را به تشبیه جمع و تسویه نامگذاری کرده‌اند یا تغییر پایگاه هر یک از طرفین تشبیه، نام تشبیه مقلوب را به میان کشیده است.^(۱)

در همه این موارد مفاهیم و معانی به صورت عناصری مستقل و بدون ارتباط باهم نگرسته شده‌اند تا جایی که حتی جایگاه این مباحث را در دانش بدیع دانسته‌اند. اظهار نظر زیر از آن جمله است:

«برای تشبیهات از نظر وضع ظاهری تشبیه و طرز قرار گرفتن مشبه و مشبه‌به در کلام اقسامی برشمرده‌اند که به صنعت بدیع مربوط می‌شود و جایگاهی در علم بیان ندارد و آنها عبارتند از: ملفوف، مفروق، تسویه، جمع، مقلوب»^(۲) که در این نظریه باید تأملی کرد.

وقتی تشبیه در دانش «بیان» مورد بررسی است، فروع و اقسام و طبقه‌بندی شکلی آن هم باید در فن «بیان» مورد بررسی قرار گیرد. شکل قرار گرفتن مفاهیم، خود، گونه‌ای از نظم و زیبایی را جلوه می‌دهد که در تخیل و هنر شاعرانه نقش دارد، شاید همان نقش وزن را داشته باشد که به اعتقاد خواجه نصیر، وزن جزء جوهر شعر

نیست اما از جهت آنکه در تخیل دخیل است، جزء تعریف شعر هم آمده است؛ قرار گرفتن تشبیه در نظمی خاص خود هنری شاعرانه است که باید در فن «بیان» بررسی شود. اما تشبیه مقلوب نیز گونه‌ای از تشبیه است که در تخیل شاعرانه، یک سوی تشبیه به ادعای شاعر برتری خاصی دارد و به این جهت است که جای مشبه و مشبه‌به عوض می‌شود. وقتی شاعر لعل را به لب تشبیه می‌کند یا بهار را به روی محبوب، مدعی است که بهار کجا و روی یار کجا یا لب بسی برتر و زیباتر از لعل است و این رجحان موجب آن است که لعل باید به لب تشبیه شود نه لب به لعل و این خود ادعای تفضیل در تشبیه است و این شگرد، تشبیه را زیباتر و مبالغه‌آمیزتر و مخیل‌تر جلوه می‌دهد. بنابراین جایگاه بحث درباره تصرف معنایی و خیالی و شاعرانه در کلام نیز باید در دانش «بیان» باشد نه در دانش بدیع و از سوی دیگر اگر تنها دیدگاه تخیل را در تعریف شعر لحاظ کنیم چندان مرز دقیقی بین بدیع و بیان نیست. بعضی از صناعات شعری از جهت تخیل به حوزه دانش بیان راه پیدا می‌کنند. لیکن معقول‌تر آن است وقتی از مفهومی در دانش سخن به میان می‌آید، در باب فروع آن مفهوم هم در همان دانش گفتگو شود. هرچند اصل در تشبیه، درک کلیت آن است نه نگرستن به الفاظ و اجزا و ارکان آن و مراد هنرمند و آفریننده تشبیه، تمکن تصویری کلی از تشبیه در ذهن مخاطب است^(۳) لیکن برای شناخت عناصر، طبقه‌بندی ارکان تشبیه از دیدگاه‌های گوناگون لازم و ضروری است.

تشبیه مرکب و متعدد

گاهی مفاهیمی که در طرفین تشبیه قرار می‌گیرند، متعددند که این کاربرد چندان دشوار نیست لیکن تشبیه مقصود نزد بلغاکه ارزش هنری دارد تشبیه مرکب است و این امری نادر است؛ تشبیه در غیر ترکیب امر ساده‌ای است و شعرا حتی ده مفهوم را به ده مفهوم دیگر تشبیه کرده‌اند.^(۴) اگر با نگاهی وسیع‌تر بنگریم، خواهیم دید که اغلب تشبیه‌های متعدد نیز در هیأتی کلی قابل دریافت هستند؛ به عبارتی بسیاری از مفاهیم به ظاهر متعدد از هیأتی کلی سر درمی‌آورند و به شمار تشبیه‌های مرکب می‌پیوندند.

چگونه می‌توان تعدد تشبیه را بویژه آنگاه که مرجع آنها یک انسان و به‌طور کلی یک حیوان یا عشقی، اندوهی و خلاصه یک واحد نفسانی و کایناتی باشد بسادگی پذیرفت و این اوصاف را از هم جدا و مجرد دانست، حال آنکه هیچ امر و احساسی مجرد نیست که با احساسهای مجاور در کلام و در پیشگاه ذهن ترکیب‌ساز، تلفیق و ترکیب نپذیرد و اینجاست که بیشتر تشبیه‌های متعدد چنانکه یاد شد از قلمرو تشبیه مرکب سر درمی‌آورد؛ بویژه در آرای کسانی چون عبدالقاهر جرجانی آنجا که از اعجاز قرآن سخن می‌گوید. او اعجاز کتاب آسمانی را نه فقط مربوط به منطق الفاظ و موضع نحوی آنها و تصویر و تشبیه و نسق معانی آنها می‌داند بلکه همچنین اعجاز را راجع به امری می‌داند که مجموع همه اینها را دربرمی‌گیرد ... و شرط بلاغت را در صحت ترکیبی می‌داند که صحت معنی بر آن مترتب باشد^(۵) بندرت ممکن است تشبیه، تعدد و استقلال خود را نگاه دارد بلکه اغلب تشبیه‌ها با آرایشها و صفات و قیود یا گردهم‌آیی با چند تشبیه دیگر و نیز اراده ذهنی گوینده و زمینه ذهنی شنونده همیشه در اصطکاک و ترکیبند و در صورت استقلال و تعدد، باز با حالات شنونده و گوینده در عرصه نفسانی و روانی، آمیزش پیدا می‌کنند و نقش یک تشبیه مرکب و نویدید را ایفا می‌نمایند.^(۶) اگر قیدی در طرفین، تشبیه را چه در لفظ و چه در معنی، مقید کند به این، تشبیه مقید گفته شده است و مرز بین مقید و مرکب نیز همیشه غیرقابل نفوذ نیست؛ بلکه قیدها نیز همیشه با ذهنیت دیگری همراهند و سرانجام تشبیه را به ساخت ترکیب غیرقابل انفکاک سوق می‌دهند. تشخیص بین مقید و مرکب با دشواری همراه است.^(۷) تشبیه تمثیل نیز در آرای جمهور بلغا نیز همان تشبیه مرکب است، یعنی تشبیهی که وجه شبه آن از امور متعدد انتزاع شده باشد.

تشبیه تمثیل

تشبیه تمثیل آن است که وجه شبه آن از امور متعدد انتزاع شده باشد و دو طرف تشبیه از مجموع اشیا یا حاصل شده باشد که به هیأت واحدی درآمده باشند. در تشبیه تمثیل آرای متعددی است:

- ۱- مذهب جمهور آن است که دو طرف تشبیه مرکب است.
- ۲- زمخشری گوید: «هر تشبیه حسی وقتی وجه شبه آن مفرد باشد تشبیه تمثیل است.»
- ۳- عبدالقاهر جرجانی غیر از مرکب بودن طرفین، عقلی و اعتباری بودن دو طرف را شرط می‌کند و وجود واقعی هیأت را در اذهان منتفی می‌داند و وجه شبه را بدون نوعی تأویل، دست یافتنی نمی‌داند.
- ۴- سکاکی وجه شبه را در تشبیه تمثیل نه عقلی و نه حسی بلکه وصفی غیرحقیقی و اعتباری و وهمی می‌داند^(۸) و تشبیه تمثیل را حاصل انتزاع وجه شبه از امور متعدد می‌داند.^(۹) و در همه نظریات یاد شده، تشبیه مرکب و تشبیه تمثیل به هم نزدیکند.

قدیم‌ترین ذکر از مفهوم تمثیل

یکی از قدیمی‌ترین مواردی که از مفهوم تمثیل بی‌آنکه به این نام اشارت شود، یاد کرده، نقد الشعر قدما بن جعفر است که آن را از جمله اوصاف ائتلاف لفظ و معنی قرار داده و گفته است؛ «و آن عبارت از این است که شاعر خواسته باشد به معنایی اشارت کند و سخنی بگوید که بر معنایی دیگر دلالت کند اما آن معنای دیگر و سخن او، مقصود و منظور اصلی او را نیز^(۱۰) نشان دهد» که این تعریف همان مفهومی است که در اصطلاح رایج «مثل» گفته می‌شود. در این بیان تشبیه مرکب با تمثیل بظاهر فاصله می‌گیرد لیکن در این ارتباط بیان ارتباط متعدد معنایی بین چند مفهوم نفی نشده است.

تعریف تشبیه تمثیل و ضرب‌المثل و تشبیه استدلالی

در تعریف تشبیه تمثیل، اغلب گفته‌اند که وجه شبه از امور متعدد انتزاع شده باشد اما در این میان فقط خواجه نصیر در اساس الاقتباس و شبلی نعمانی تمثیل را نوعی استدلال خوانده‌اند. خواجه گوید: «استدلال چنان بود که از حال یک شبیه بر حال دیگر شبیه دلیل سازند»^(۱۱) در نظر تفتازانی تشبیه تمثیل تشبیهی است که وجه شبه آن از امور متعدد انتزاع شده باشد.^(۱۲)

ابن‌رشیق گوید که تمثیل و استعاره از مقوله تشبیهند جز اینکه ابزار تشبیه در آنها

وجود ندارد و بر اسلوب اصلی تشبیه مبتنی نیستند. زمخشری و ابن اثیر تشبیه و تمثیل را مترادف دانسته‌اند. عبدالقاهر جرجانی گوید: «تشبیه عام‌تر و تمثیل خاص‌تر است» به عقیده وی هر تمثیلی تشبیه است ولی هر تشبیهی تمثیل نیست. (۱۳)

تمثیل حاصل یک ارتباط دوگانه بین مشبه و مشبه‌به (=ممثل) است و در تمثیل هم اصل بر این است که فقط مشبه‌به ذکر شود و از آن متوجه مشبه شویم اما گاهی ممکن است مشبه هم ذکر شود، مثل تشبیه تمثیل: مثل کسانی که فقط به دنیا چسبیده‌اند مثل کسانی است که در رهگذر سیل خانه می‌سازند. در این صورت هم از مشبه و هم از مشبه‌به امر کلی‌تری را استنباط می‌کنیم. کسانی که به امور حقیر و ناپایدار مشغولند و عاقبت را نمی‌بینند از کار خود بهره‌ای نمی‌برند.

پس تمثیل بیان حکایت و روایتی است که هر چند معنای ظاهری دارد اما مراد گوینده معنای کلی‌تر دیگر است. (۱۴) و این داستان خود مشبه‌بھی است که حال مشبه را بازگو می‌کند. بعضی تمثیل را شاخه‌ای از شاخه‌های تشبیه دانسته‌اند و بسیاری از دانشمندان با توجه به معنی لغوی این دو کلمه که برابر است، تشبیه و تمثیل را مترادف دانسته‌اند، از جمله زمخشری صاحب کشف و ابن اثیر که بر علمای بلاغت ایراد گرفته‌اند که اینان میان تشبیه و تمثیل تفاوت قایل شده‌اند. (۱۵)

با اینکه برای تمثیل در کتب بلاغت از قدیم‌ترین ایام، چه به نام تمثیل و چه با نامهای دیگر عنوانی خاص قایل شده‌اند و از آن سخن گفته‌اند، اما حقیقت امر این است که تمثیل شاخه‌ای از تشبیه است و از همین رهگذر است که عنوان تشبیه تمثیلی هم در کتاب‌های بلاغت فراوان دیده می‌شود. (۱۶) راه تشخیص تشبیه و تمثیل چیست؟

اسلوب معادله در شناخت تمثیل و تشبیه

بهترین راه برای تشخیص تمثیل از دیگر انواع تصویر، این است که از دیدگاه زبان‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد. بدین‌گونه که تمثیل در معنی دقیق آن که محور خصایص سبک هندی است، می‌تواند در شکل معادله دو جمله مورد بررسی قرار گیرد و تقریباً مجموعه آنچه متأخرین بدان تمثیل اطلاق کرده‌اند، معادله‌ای است که به لحاظ

نوعی شباهت میان دو سوی بیت (دو مصراع) وجود دارد و شاعر در مصراع اول چیزی می‌گوید و در مصراع دوم چیز دیگر، اما دو سوی این معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگرند و شاید برای جلوگیری از اشتباه بتوان آن را اسلوب معادله خواند.^(۱۷)

تعریف مثل

در تعریف مثل سخن بسیارست و درین مختصر نمی‌گنجد. از جمله نوشته‌اند که تشبیه چیزی به چیزی یا حالتی به حالتی است. مسبرد (م. ۲۸۵. ه) در این مورد گفته‌است: «المثل مأخوذ من المثل و هو قال سائر يشبه به حال الثانی بالاول و الاصل فيه التشبيه» تضمین مثلی سایر در شعر - که آن را ارسال المثل خوانده‌اند - اگر مناسب و بموقع باشد، موجب زیبایی سخن می‌شود. نخست آن که چون غالباً رایج و ذهن همگان با آن آشناست به انتقال معنی کمک می‌کند و در عین ایجاز از عهده این مهم برمی‌آید. به عبارت دیگر شاعر به سبب همین انس و آشنایی از نیروی معنوی مثل بهره می‌برد و معنی مورد نظرش را بیان می‌نماید. ثانیاً مفاهیم با اشاره‌ای لطیف به ذهن دیگران راه می‌یابد و این طرز بیان از تصریح بلیغ‌تر و شیرین‌تر است.^(۱۸)

ابواسحق ابراهیم بن سیار نظام در باب محاسن مثل شرحی نوشته که همه نکات را دربردارد: «يجتمع في المثل اربع لا يجتمع في غيره من الكلام: ايجاز اللفظ و اصاب المعنى و حسن التشبيه و جودة الكناية، فهو نهاية البلاغة»^(۱۹) در جمله‌ای کوتاه می‌توان گفت استعاره‌های تمثیله‌ای که به سرحد شیاع رسیده‌باشند، مثل کامیده می‌شوند.^(۲۰) و در این جمله کوتاه رابطه مثل با استعاره و تشبیه بخوبی بیان شده‌است زیرا مثل از سویی ریشه در تشبیه دارد و از دگر سو چون یکی از طرفین تشبیه در کلام وارد است خود نوعی استعاره است؛ استعاره‌ای که به شهرت رسیده و مؤثرتر و موجزتر از تشبیه است و در صورت وجود تشابه و مشارکت، مفاهیمی را می‌توان با آنها و با رسایی بیشتر تعبیر کرد. بنابراین در عین توجه به درک کلی از تشبیه باید گفت متعدد و مرکب و مفید و تمثیل و مثل را بسختی می‌توان از یکدیگر جدا کرد. لیکن از

آنجا که نقادان بلاغی به جداول تقسیم‌بندی‌هایی برای شناخت و طبقه‌بندی نیازمند بوده‌اند، بدین نامگذاری‌ها رو آورند^(۲۱) و این امر از دیدگاه شناخت مستحسن است. زیرا از اهداف اولیه هر دانشی طبقه‌بندی دقیق و مناسب مفاهیم آن دانش است لیکن مرزهایی جدایی‌ناپذیر هم نمی‌توان ایجاد کرد تا ذهن هنرمند را در قالبهای از پیش ساخته مقید کند و توان خلق و ابداع را محدود سازد.

منابع

- ۱- رجایی، محمدخلیل، معالم البلاغة صص ۲۷۳-۲۷۴ و نیز بنگرید نصرالله تقوی، هنجار گفتار صص ۱۶۷-۱۷۱، آهنی، غلامحسین صص ۱۴۹-۱۴۱، شروح التلخیص ج ۲، صص ۴۲۶-۴۱۶، سکاکی، مفتاح‌العلوم، صص ۳۴۹-۳۴۶
- ۲- شمیسا، سیروس، بیان در شعر فارسی، ص ۵۲
- ۳- شروح التلخیص، ص ۳۰۴
- ۴- علی‌الجندی، فن التشبیه، ج ۲، ص ۵۲
- ۵- تجلیل، جلیل، نقشیند سخن، ص ۴۳
- ۶- همان، ص ۵۱
- ۷- منبع شماره ۲، صص ۸۶-۸۷
- ۸- منبع شماره ۴، صص ۱۱-۱۲
- ۹- سکاکی، مفتاح‌العلوم، ص ۳۴۶
- ۱۰- شفیع کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، ص ۳۴۶
- ۱۱- مجله مدرس، دوره اول، ص ۱۱۴ به نقل از منبع شماره ۱۰، صص ۸۳-۸۴، ۷۷-۷۹
- ۱۲- تفتازانی، مختصرالمعانی، صص ۱۴۷-۴۵
- ۱۳- منبع شماره ۱۱، دوره اول، ش ۵/۶/۷، ص ۱۱۴
- ۱۴- منبع شماره ۶، ص ۳۰۵
- ۱۵- منبع شماره ۱۰، ص ۲۰۵
- ۱۶- همان، ص ۷۷

۱۷- همان، ۸۴

- ۱۸- یوسفی، غلامحسین، فرخنی سیستانی بحثی در شرح احوال و روزگار او، ص ۵۷۵ به نقل از الف: مجمع الامثال ص ۷ و ب: المعجم فی معاییر اشعار العجم ص ۲۲۲
- ۱۹- میدانی، مجمع الامثال، حواشی محمد محیی الدین عبدالحمید، ج ۱ ص ۱
- ۲۰- منبع شماره ۵، ص ۶۷
- ۲۱- منبع شماره ۱۰ صص ۴۶-۴۷

منابع

- ۱- آهنی، غلامحسین، ۱۳۵۷، معانی و بیان، انتشارات مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی، تهران، ۲۹۸ صفحه
- ۲- تجلیل، جلیل، ۱۳۶۸ نقشیند سخن، انتشارات اشراقیه، تهران، ۲۰۲ صفحه
- ۳- تقوی، نصرالله، ۱۳۶۳، هنجار گفتار، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز، ۴۳۱ صفحه
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۶۶، صور خیال در شعر فارسی، انتشارات آگاه، تهران، ۷۳۲ صفحه
- ۶- شمیسا، سیروس، ۱۳۷۰، بیان در شعر فارسی، انتشارات فردوس و مجید، تهران، ۲۷۹ صفحه
- ۷- فقیهی، حسین، ۱۳۷۱، امثال سائره و اندیشه‌های ناب، مجله مدرس، شماره ۵ و ۶ و ۷، تهران، ۲۳۰ صفحه
- ۸- یوسفی، غلامحسین، ۱۳۶۵، بحثی در شرح احوال و روزگار او، انتشارات علمی، تهران، ۶۸۲ صفحه
- ۹- تفتازانی، سعدالدین، مختصر المعانی، چاپخانه افست مصباحی قم، ۲۲۸ صفحه
- ۱۰- سکاکی، ابویعقوب یوسف، حواشی نعیم زرزور، ۱۴۰۷ ه. ق.، مفتاح‌العلوم، انتشارات دارالکتب، بیروت، ۶۲۱ صفحه
- ۱۱- شروح التلخیص، ج ۲، ۱۴۱۲ ه، ۱۹۹۱ م. بیروت، لبنان، ۴۷۷ صفحه
- ۱۲- علی‌الجندی، ۱۹۵۲ م.، فن التشبیه ج ۲، کتبه و نهضه مصر
- ۱۳- میدانی، ۱۳۷۴ ه. ق.، حواشی محمد محیی الدین عبدالحمید، مجمع الامثال، ج ۱، انتشارات دارالمعرفه، بیروت ۴۴۷ صفحه